

● تحلیل‌ها و گزارش‌ها

آوارگان فلسطینی و فرآیند صلح خاورمیانه

مقدمه

یهودیان به فلسطین پایه بیان ایشان ارض موعود آغاز می‌شود. با صدور اعلامیه‌ی بالفور در سال ۱۹۱۷ که در آن قول تشکیل یک وطن یهودی به یهودیان داده شد این روند سرعت بیشتری می‌گیرد، زیرا برای تشکیل وطن یهودی موعود، احتیاج به جمعیت و زمین بود. لذا در دوران قیمومت انگلیس بر فلسطین یعنی از ۱۹۲۲ تا ۱۹۴۸، سیاست‌های بین‌المللی همپا با صهیونیسم بین‌الملل در تمشیت این مهم همسو می‌شوند. اقدام‌های آژانس یهود (سوخنوت)، کمک یهودیت جهانی، اقدام‌ها و اعمال سازمان‌های نظامی (میلیشیا) یهودی مثل هاگانا، پالماخ، اشترن و لهی دبت به دست هم داده از یک طرف زمین‌های فلسطینی‌ها را از چنگ آنان خارج کردند و از طرف دیگر فرار آنها را از فلسطین موجب شدند. در مقابل با ترفندها و تمهیدهای فراوان و همه‌جانبه، سیل مهاجرت

طی یکصد سال گذشته بحران‌ها و جنگ‌ها در خاورمیانه موجب شد گروه‌هایی از اهالی و سکنه‌ی این منطقه‌ی مهم جهان مجبور به فرار از خانه و کاشانه‌ی خود و مهاجرت به مناطق دیگر شوند. این گروه‌ها بعضاً به صورت آواره درآمده‌اند.

حادثه‌ترین مسأله‌ی آوارگی در منطقه‌ی خاورمیانه، مسأله‌ی آوارگان فلسطینی است که هنوز حل نشده است. اینها فلسطینی‌هایی بودند که قبل و بعد از تشکیل دولت یهود در سال ۱۹۴۸ مجبور به فرار و ترک خانه و کاشانه‌ی خود شدند و در کشورهای جهان و عمدتاً همسایه‌ی فلسطین در آوارگی و غربت توأم با مشقت و سختی روزگار می‌گذرانند. چرا آوارگی روی داد؟ می‌دانیم که از اواخر قرن نوزدهم که نهضت صهیونیستی شکل گرفت، موج مهاجرت

فلسطینی با تصمیم و ابتکار خود از فلسطین فرار کرده‌اند که اسناد و مدارک و قراین و شواهد چیز دیگری را حکایت می‌کند. حتی برخی مورخین منصف اسرائیل معترفند که نود درصد فلسطینی‌ها در اثر برخوردهای خشن و قتل و غارت شبه نظامیان یهودی مجبور به ترک فلسطین شده‌اند.

بنا به ارزیابی‌های سازمان ملل تا پایان سال ۱۹۴۸ تعداد فراریان فلسطینی حدود ۷۰۰ هزار نفر بوده‌اند. منابع فلسطینی و مستقل این رقم را بیش از ۸۰۰ هزار نفر دانسته که در اثر پاک‌سازی و تخلیه‌ی ۵۳۱ شهر و زوستای فلسطینی صورت گرفته است. ۲۱۳ شهر و روستا (۵۲ درصد) در دوران قیمومت، تخلیه و پاک‌سازی شدند که در نتیجه ۴۱۳/۰۰۰ نفر به صورت آواره مجبور به ترک دیار خود شدند. ۲۶۴ شهر و روستا (۴۲ درصد) در سال ۱۹۴۸ تخلیه و پاک‌سازی شدند که در نتیجه ۳۴۰/۰۰۰ نفر دیگر به جمع آوارگان پیوستند و سرانجام ۵۴ شهر و روستا بعد از امضای قرارداد آتش‌بس در فوریه‌ی ۱۹۴۹ تخلیه و پاک‌سازی شدند و در نتیجه ۵۲/۰۰۰ نفر فلسطینی دیگر باترک خانه و کاشانه‌ی خود در فلسطین، دوران آوارگی خود را آغاز کردند. گفتنی است که این ۸۰۰ هزار نفر بر روی زمینی خانه و کاشانه داشته‌اند که حالا

یهودیان را از نقاط مختلف جهان به فلسطین فراهم کردند. در سال ۱۹۴۸ یعنی سال تأسیس دولت یهود تنها ۳۳ مورد ترور و کشتار فلسطینی‌ها توسط گروه‌های شبه نظامی یهودی گزارش شده است. شنیع‌ترین اقدام خشونت‌بار در سال مذکور در دهکده‌ی دیریاسین در ۹ و ۱۰ آوریل روی داد. این واقعه که حتی امریکا آن را به عنوان تروریسم گسترده و کشتار عمدی محکوم کرد، زمینه‌های فرار بیشتر فلسطینی‌ها را فراهم آورد. از جمله اقدام‌های گروه‌های شبه نظامی یهودی برای پاک‌سازی فلسطینی‌ها، اجرای طرحی موسوم به طرح "D" بود. هدف از اجرای طرح مذکور تخریب روستاهای اعراب، اخراج اعراب و اسکان یهودیان به جای آنها بود. به نحوی که در سال ۱۹۴۸ مجموعه‌ی این اقدام‌ها، فرار چند صد هزار فلسطینی را موجب شد. هدف دولت یهود پاک‌سازی قومی فلسطینی‌ها بود. به قول بن‌گوریون اولین نخست‌وزیر اسرائیل، "تنها یک راه در مقابل اعراب فلسطین وجود داشت و آن هم فرار بود"، ایگال آلون فرمانده‌ی پالماخ و از وزرای خارجه‌ی بعدی دولت یهود در این رابطه گفته بود: "ما دست به هر کاری زدیم تا فلسطینی‌ها را ترغیب به فرار کنیم".

البته اسرائیلی‌ها مدعی‌اند که آوارگان

حمایت‌های بین‌المللی و برخورد کشورهای آواره‌پذیر:

از ابتدای معضل آوارگی فلسطینی‌ها، به خصوص از سال ۱۹۴۸ به بعد تمثیت امور پناهندگان و آوارگان به عهده کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل قرار گرفت و بلافاصله کمک سازمان ملل به آوارگان شروع شد. در پایان سال ۱۹۴۹ نیز آژانس ویژه‌ی به نام "آژانس امداد و کاریابی آوارگان"^۱ (اونروا) - برای مدیریت کمک‌ها تشکیل شد. سازمان ملل هنوز از طریق "اونروا" به آوارگان فلسطینی کمک می‌کند. کمک‌ها شامل جیره، کمک‌های آموزشی و بهداشتی، آموزش حرفه‌یی، ساخت سرپناه و غیره می‌باشد. البته به این کمک‌ها باید بعضاً کمک‌های سازمان‌های غیردولتی (NGO) به آوارگان فلسطینی را اضافه کرد. با این وجود باید خاطر نشان ساخت که بودجه‌ی "اونروا" ناکافی است و تعداد آوارگان فلسطینی با توجه به رشد طبیعی آنها رو به افزایش است و این امر مشکلاتی را برای "اونروا" و مالاً آوارگان فراهم آورده است.

بخشی از آوارگان فلسطینی در کشورهای میزبان بعضاً موفق شده‌اند که تابعیت

۹۲ درصد خاک اسرائیل فعلی را تشکیل می‌دهد.

تعداد آوارگان از سال ۱۹۴۸ به بعد و به خصوص بعد از جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ سیر صعودی پیدا می‌کند. البته رشد طبیعی جمعیت آوارگان نیز در این افزایش سهم و دخیل بوده است. جدا از آن تعداد فلسطینی‌هایی که در خود اسرائیل، نوار غزه و ساحل غربی بوده و هستند که شرایط آنها کم از آوارگی نیست، بقیه‌ی آوارگان در اردن، لبنان، سوریه، مصر، عربستان سعودی، کویت، عراق، لیبی، کشورهای حوزه‌ی جنوبی خلیج فارس، سایر کشورهای عربی، دیگر کشورها و حتی امریکا پراکنده شده‌اند. برطبق برآوردهای منابع مختلف بین‌المللی، فلسطینی، مستقل و اسرائیلی، امروزه رقم آوارگان خارج از فلسطین بین ۲/۵ تا ۳/۵ میلیون نفر گزارش شده است که اگر این رقم را به فلسطینی‌های داخلی که اطلاق آوارگی به آنها اغراق نیست، اضافه کنیم رقم واقعی آوارگان فلسطینی به حدود ۵ میلیون نفر بالغ می‌شود. البته در صحبت از آوارگان فلسطینی، مراد آوارگان خارج از فلسطین است.

1. United Nations Relief and Works Agency (UNRWA)

صنایع این کشورها و سایر کشورهای عربی - که مواجه با کمبود نیروی کار تحصیل کرده بودند - مشغول به کار شوند از وضع بهتری برخوردار بوده‌اند.

گفتنی است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ (۱۱ دسامبر) قطعنامه‌ی شماره‌ی ۱۹۴ را درخصوص آوارگان به تصویب رساند. به موجب این قطعنامه آوارگانی که مایل به بازگشت به خانه و کاشانه‌های خود هستند و مایلند با همسایگان خود در صلح و صفا زندگی کنند باید اجازه‌ی این کار را داشته باشند و به آن دسته آوارگانی هم که قصد بازگشت ندارند باید خسارات وارده به اموال و دارایی‌های آنها توسط دولت‌ها یا مقام‌های مسؤل پرداخت شود. شرایط این قطعنامه هر ساله مورد تأیید مجمع عمومی قرار گرفته است.

توافقی‌های اوسلو و بعد از آن در مورد آوارگان فلسطین:

طبق توافق‌های اوسلو قرار بود که مذاکرات وضعیت نهایی در آوریل ۱۹۹۶ شروع و در مه - آوریل ۱۹۹۹ تمام شود. در مذاکرات مذکور یکی از بندها موضوع آوارگان فلسطینی است. البته مفاد توافقنامه به گونه‌ی تنظیم شده

کشور میزبان را به دست آورند مانند اردن. البته در بیشتر کشورهای عربی این طور برخورد نشده است. مثلاً در عربستان سعودی، سوریه، لبنان، کشورهای حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس لیبی و عراق، آوارگان اکثراً وضعیت "Status" آوارگی را دارند و نامشان در فهرست‌های "اونروا" به عنوان آواره ثبت است. در این کشورها بعضاً مقام‌های محلی مانع کار آوارگان نشده‌اند. البته برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که مثلاً در لبنان، فلسطینی‌ها از اشتغال به بیشتر حرفه‌ها منع شده‌اند و هیچ نوع خدمات اجتماعی دریافت نمی‌دارند به جز آنهایی که "اونروا" و تعدادی از سازمان‌های غیردولتی به آنها ارایه می‌دهند. یا گفته می‌شود که آنها اجازه‌ی نوسازی سرپناه خود در اردوگاه راندارند. در مجموع در بیش از ده‌ها اردوگاه آوارگان در سراسر کشورهای آواره پذیر، شرایط آوارگان و آوارگی کماکان نامناسب و اسفبار است. البته آوارگانی که از ابتدا در کشورهای حوزه‌ی جنوبی خلیج فارس مستقر شدند به خاطر اقتصاد متکی به نفت و توسعه‌ی صنایع و حمل و نقل در آن کشورها بیشتر جلب کار شده‌اند و شرایط بهتری دارند و یا روشنفکران و طبقات تحصیلکرده و فلسطینی که توانسته‌اند به عنوان منشی، معلم، تکنسین و کادر فنی در صنایع نفت و دیگر

است که اگر بندهای مذاکرات وضعیت نهایی را به بندهای ممکن و بندهای مشکل تقسیم نماییم، آوارگان فلسطینی را باید از بندهای مشکل مذاکرات وضعیت نهایی نام برد. قدس (اورشلیم)، مرزها و یهودی‌نشین‌ها نیز از بندهای مشکل مذاکرات وضعیت نهایی می‌باشند. گفتنی است که در آخرین تحول در این زمینه اسرائیل درخواست حکومت خودگردان را برای بازگشت آوارگان به فلسطین و یا پرداخت غرامت به آنها رد کرده است.

مواضع فعلی درخصوص آوارگان فلسطینی:

در میان بندهای مذاکرات وضعیت نهایی مسأله‌ی سخت‌تر و به قولی آزار دهنده‌تر از مسأله‌ی آوارگان فلسطینی وجود ندارد. چشم‌انداز مسأله نیز مبهم و تیره است. مواضع حکومت خودگردان فلسطین در این زمینه صریح می‌باشد. درخواست فلسطینی‌ها عمل بر طبق قطعنامه‌ی شماره‌ی ۱۹۴ سازمان ملل است. یعنی بازگشت آوارگان به فلسطین و تأمین خسارات آنها که باقی می‌مانند. مواضع اسرائیلی‌ها کاملاً در جهت مخالف بوده و معتقدند که تمام آوارگان فلسطینی باید به طور دایمی در خارج از فلسطین باقی بمانند یعنی در همان جایی که هستند استقرار دایمی یابند. البته

بود که احتمال اجرای اسکان دایمی آوارگان فلسطینی در کشورهای میزبان و سایر کشورها را نیز فراهم کند. اما توافق‌های اوسلو به علت سیاست‌ها و سنگ‌اندازی‌های نتانیاهو متوقف و روند صلح و مذاکرات منجمد شد. بعد از به قدرت رسیدن ایهود باراک و دیپلماسی رفت و برگشت وی با رهبران منطقه و خارج از آن سرانجام در تاریخ ۱۹۹۹/۹/۵ به امضای توافقنامه‌ی وای ریور ۲- شرم‌الشیخ- بین عرفات و باراک (با حضور آلبرایت، مبارک، عبدالله دوم) منجر شد. طرفین امضاکننده‌ی این توافق متعهد شدند که در مورد تمام مسایل مربوط به مذاکرات وضعیت نهایی ظرف یک سال از زمان شروع این مذاکرات به توافق نهایی دست یابند.

این مذاکرات در ۱۳ سپتامبر ۹۹ بین نمایندگان اسرائیل و حکومت خودگردان فلسطین (PA) آغاز گردید که تاکنون چندین دور مذاکرات صورت گرفته است. طبق توافق‌های فوق مذاکرات در مورد آوارگان فلسطینی قرار بوده است که از اول اکتبر ۱۹۹۹ شروع شود که هنوز در این زمینه با توجه به این که مذاکرات در سایر عرصه‌ها از جمله یهودی‌نشین‌ها، تخلیه‌ی سرزمین‌ها، زندانی‌های فلسطینی اولویت داده‌اند به طور جدی برخورد نشده است. گفتنی

در فرانسه که لبنان و سوریه آن کشور را به عنوان متحد اروپایی خود می‌شناسند، طور دیگری به موضوع نگاه می‌شود. در ملاقات و مذاکره‌ی اخیر سلیم الحص نخست وزیر لبنان با مقام‌های فرانسوی که طی آن مقام لبنانی موضوع استقرار دائمی فلسطینی‌ها در خاک لبنان را رد می‌نماید، وزارت خارجه‌ی فرانسه بعداً اعلام می‌دارد که مسأله‌ی آوارگان فلسطینی مسأله‌ی بسیار مهم و جدی است که باید در چارچوب مذاکرات حل شود.

در کشورهای میزبان نیز مواضع و دیدگاه‌های متفاوتی در قبال آوارگان وجود دارد. لبنانی‌ها حساسیت بیشتری به این قضیه دارند. در لبنان این نگرش وجود دارد که یکی از دلایل اصلی جنگ داخلی و اشغال مداوم جنوب لبنان از سوی اسرائیل، وجود و حضور این آوارگان بوده است. آنها از نظر لبنان یک تهدید دموگرافیک تلقی می‌شوند زیرا که توازن دموگرافیک لبنان را به هم می‌زنند (آوارگان ۱۱/۴ درصد از جمعیت لبنان را تشکیل می‌دهند) لبنانی‌ها می‌گویند که استقرار مجدد آوارگان در لبنان نه تنها مورد مخالفت اکثریت جناح‌های سیاسی لبنان است بلکه مغایر با قانون اساسی بعد از جنگ آن کشور نیز می‌باشد. به نظر اکثر این جناح‌ها حل مسأله‌ی آوارگان

اسرائیلی‌ها به فشارها و کمک‌های لازم از سوی امریکا در این زمینه دلگرم هستند.

اسرائیلی‌ها به طور کلی با بازگشت آوارگان فلسطینی مخالفت می‌ورزند. زمانی که باراک به نخست وزیر اسرائیل رسید گفت که تحت هیچ شرایطی به فلسطینی‌ها اجازه نمی‌دهد که در درون مرزهای دولت یهود جای داده شوند. چندی پیش نیز شیمون پرز وزیر همکاری‌های منطقه‌ی در کابینه‌ی باراک، عنوان کرد که ما اجازه نخواهیم داد که آوارگان فلسطینی به فلسطین بازگردند. به زعم وی این امر بافت جمعیتی دولت یهود را بر هم زده و یکی از شبوه‌ها و راهکارهای نابودی اسرائیل است.

در سطح بین‌المللی نیز اظهارات و واکنش‌ها در راستای بازگشت کامل آوارگان فلسطینی نبوده است. چندی پیش کلیتون در یک سخنرانی در این خصوص گفت که آرزوی او این است که آوارگان فلسطینی هر جا که مایلند زندگی کنند. وی تأکید کرد که بازگشت به آن معنی نیست که آنان باید به فلسطین بازگردند و تلویحاً آنها را به ماندن و استقرار دائمی در کشورهای میزبان ترغیب کرد. این اظهارات کلیتون در واقع تأییدی بر مواضع اسرائیلی‌ها بود.

در سوریه نیز کم و بیش مشکلات مشابهی وجود دارند و تعیین تکلیف آوارگان فلسطینی از دلمشغولی‌های سیاستمداران سوری است. البته بخشی از آوارگان در سوریه، آوارگان منطقه‌ی جولان هستند که آینده‌ی آنها بستگی به نتیجه فرآیند صلح بین سوریه و اسرائیل دارد.

در سایر کشورهای میزبان آوارگان، به خصوص کشورهای عربی قضیه تاحدودی متفاوت است. به علت تعداد کم آوارگان در این کشورها، عدم استقرار همگی آنها در اردوگاه‌ها، جذب آنها در جوامع میزبان، عدم تأثیرگذاری آنها در بافت جمعیتی کشور میزبان، هم مرز نبودن کشور میزبان با فلسطین و غیره معضلات و مشکلاتی نظیر اردن، سوریه و به خصوص لبنان وجود ندارد، یعنی سه کشوری که جمعاً بیش از ۲/۵ میلیون آواره‌ی فلسطینی را در خاک خود جای داده‌اند.

البته در رابطه با اسکان آوارگان فلسطینی، شایعاتی نیز مطرح است و ظاهراً طرح‌هایی نیز در جریان مطالعه و بررسی می‌باشند. دو رویکرد به این مسأله شده است، رویکرد اول این که بخشی از آوارگان فلسطینی جذب کشورهای مهاجرپذیر شوند. مثل کانادا و استرالیا که سابقه‌ی بیشتری در این امر دارند.

فلسطینی از طریق استقرار آنها در کشورهای میزبان، مشکل‌زاست و به ویژه در مورد لبنان می‌تواند به تنش و یا جنگ داخلی منجر شود. این امر حداقل می‌تواند توازن جمعیتی را به نفع اقلیت سنی لبنان تغییر دهد، موضوعی که هفده اقلیت مذهبی موجود دیگر در لبنان به آن قطعاً خوش آمد نمی‌گویند. گفتنی است که یکی از شروط یا پیش‌شرط‌های لبنانی‌ها در مذاکرات آتی لبنان با اسرائیل، عدم پذیرش موضوع استقرار دائمی آوارگان فلسطین در لبنان است.

این چنین نگرش‌های مخالف در لبنان بود که موجب شد در عرض دهه‌ی گذشته حدود یکصد هزار نفر از این آوارگان فلسطینی، لبنان را ترک کنند. آنهایی که هنوز مانده‌اند عمدتاً فقیر، پیر، بیمار و یا نوجوان هستند. با این وجود این عده‌ی باقیمانده کماکان از منابع نگرانی مقام‌های لبنانی محسوب می‌شوند. در اردن وضعیت تا حدودی فرق

می‌کند. اخیراً ملک عبدالله دوم در بازدید از بزرگ‌ترین اردوگاه فلسطینی در اردن گفت که آوارگان فلسطینی بخشی جدایی‌ناپذیر از خانواده‌ی متحد اردن می‌باشند و نگرانی‌های آوارگان، نگرانی‌های اردن است. البته وی از آرزوی آوارگان فلسطینی برای بازگشت به فلسطین نیز جانبداری کرده است.

اسرائیل دانسته است که از آن نباید عبور کرد. این پنج خط قرمز عبارتند از: عدم بازگشت اسرائیل به مرزهای ژوئن ۶۷، قدس (اورشلیم)، یکپارچه تحت حاکمیت اسرائیل، عدم پذیرش هیچ ارتش خارجی در غرب رود اردن، عدم بازگشت آوارگان فلسطینی به داخل اسرائیل و بالاخره باقی ماندن بسیاری از یهودی‌نشین‌ها در درون اسرائیل.

از سوی دیگر کشورهای اصلی میزبان آوارگان فلسطینی نیز همان‌طور که اشاره شد نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند تمام آوارگان فلسطینی را در خاک خود به طور دائمی استقرار دهند. در درون مرزهای دولت فلسطین درآینده نیز امکان جذب تمام این آوارگان وجود ندارد. حکومت خودگردان هم به خوبی می‌داند که با توجه به مخالفت اسرائیل و آمریکا در مورد بازگشت بخشی از آوارگان به درون مرزهای اسرائیل آن حکومت واقعاً کاری نمی‌تواند بکند مگر آن که در مذاکرات وضعیت نهایی و در بدهستان‌ها، تعدیلی در مواضع اسرائیل در این زمینه حاصل شود یا حکومت خودگردان به علت موضع ضعیف‌تر خود مجبور شود بر سر حقوق آوارگان فلسطینی به سازش دست زند. در مجموع با توجه به آنچه گذشت به نظر سرنوشت غم بار آوارگان فلسطینی

البته گفته می‌شود که در کانادا، نروژ و بعضی کشورهای اروپایی از جمله انگلیس توجهی تلویحی به این موضوع شده است. رویکرد دوم آن که بخش عمده‌ی آوارگان در کشورهای میزبان البته به عنوان تبعه باقی بمانند. گفتنی است که برخی راه‌حل‌های غیرجدی نیز مطرح بوده است از جمله این که بخشی از آوارگان فلسطینی به عنوان بهایی که عراق باید برای اعاده‌ی اعتبار بین‌المللی خود بپردازد، به عراق فرستاده شوند. البته عراقی‌ها این موضوع را شدیداً تکذیب کرده‌اند.

چشم‌انداز آینده:

مقام‌های اسرایلی بارها اعلام کرده‌اند که آوارگان فلسطینی را درون مرزهای دولت یهود جای نخواهند داد. یک نگرش غیرواقع‌بینانه نیز در اسراییل حاکم است که تعداد کمی آوارگان فلسطینی که وقایع سال ۱۹۴۸ یا قبل از آن را به یاد دارند در قید حیات هستند و لذا فرزندان آن آوارگان به آسانی می‌توانند پیوندهای عاطفی با فلسطین را به آسانی ترک کنند و در نتیجه ضرورتی به بازگشت آنها دست کم به درون مرزهای اسراییل وجود ندارد. بر این اساس است که حتی باراک این امر را جزء یکی از پنج خط قرمز مهم برای

خصوص مهاجرپذیر و البته و طبعاً بخش قابل توجهی، خواهی نخواهی در کشورهای میزبان ناچار به استقرار دایمی خواهند بود.

دکتر محمدرضا ملکی

در صورت حصول به صلح همه جانبه در خاورمیانه می تواند نهایتاً شکلی باشد از ترکیب بازگشت آوارگان به سرزمین دولت فلسطینی آینده - یعنی بخش هایی از ساحل غربی و نوار غزه- پراکندگی بیشتر در کشورهای ثالث و به





پڙو بشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی